Vol 1, Issue1,Ser 1, 2026

Journal of Civilization History

Shiraz University

OPEN ACCESS

DOI: 10.22099/JCHR.2025.52427.1006

The Prophet's Institutionalization and Its Functions in the Development of Islamic Civilization (1–10 A.H.)

Mohammad Jamiri

Mohammad Keshavarz Beyzaei* (Corresponding Author)

Abstract

One of the key requirements for the development of civilization is the formation of institutions, with the state being the most fundamental among them. The establishment of a government was the most significant political action undertaken by the Prophet of Islam (PBUH) after the Hijrah, and it created new capacities for the emergence of Islamic civilization.This study, using a descriptive-analytical approach and library-based research method, and drawing upon the theory of institutionalism, explores two central questions: What were the Prophet's most important actions in institution-building, and what roles did they play in shaping Islamic civilization? Findings indicate that the Islamic government founded by the Prophet had a high capacity for institutionalization. He successfully established a range of basic political, social, and civilizational institutions, including the family, worship and education, finance, governance, law, judiciary, military, and foreign relations. These institutions were rooted in Qur'anic teachings, a monotheism-centered worldview, and the Prophet's own innovative leadership. This institutional foundation laid the groundwork for a broader civilizational trajectory. Through various functions—educational, economic, legislative, justice-oriented, and security-related—these institutions evolved over time and were transmitted as a civilizational legacy to subsequent Islamic governments. This legacy contributed significantly to the golden age of Islamic culture and civilization during the 3rd and 4th

Key words: Prophetic rule, institutionalism, the Prophet's actions, institution-building, function, development of Islamic civilization.

* Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Bushehr University of Medical Sciences, bushehr, Iran
mbeyzai@yahoo.com

COPYRIGHTS ©2026 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the Original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publisher.

بهار و تابستان ۱۴۰۵

مجله‌ی پژوهشنامه‌ی تاریخ تمدن

دانشگاه شیراز
Shiraz University

OPEN ACCESS

مقاله‌ی علمی، سال ۱، شماره‌ی ۱، پیاپی ۱، صص ۱۷-۲۸

DOI: 10.22099/JCHR.2025.52427.1006

نهادسازی پیامبر و کارکردهای آن در تکوین تمدن اسلامی (۱– ۱۰ ق.)

محمد جمیری*

محمد کشاورز بیضایی**

چکیده

از الزامات تمدن‌سازی ایجاد نهادهاست و دولت مهم‌ترین نهاد در فرایند تمدن‌سازی است. تأسیس حکومت، مهم‌ترین اقدام سیاسی پیامبر اسلام (ص) پس از هجرت بود. امری که ظرفیت‌های تازه‌ای را در امر تمدن‌سازی در جهان اسلام ایجاد نمود. این جستار با رویکرد توصیفی – تحلیلی و روش کتابخانه‌ای، نیز بهره‌گیری ممکن از نظریه نهادگرایی، به این سؤالات می‌پردازد که اهم اقدامات پیامبر در زمینه نهادسازی چه بوده و چه کارکردهایی را در تکوین تمدن اسلامی به همراه داشته است؟ یافته‌ها نشان می‌دهند که یکی از عوامل مهم قابلیت بالای حکومت اسلامی پیامبر در توفیق وی در امر نهادسازی و استقرار نهادهای دولتی، اجتماعی و تمدنی ساده و ابتدایی، از قبیل: نهادهای خانواده، عبادی و آموزشی، مالی و حکومتی اعم از قانونی، قضایی، نظامی و مناسبات خارجی بوده است. امری که با اتکا بر آموزه‌های قرآنی و جهان‌بینی توحید محور، همچنین سیره و ابتکارات پیامبر در عین ایجاد زمینه برای تمدن‌سازی، با کارکردهای چندی از جمله: تربیتی و آموزشی، اقتصادی، تقنینی، عدالت‌گرایی، امنیتی، با روندی تکاملی در ابعاد مختلف، به‌مثابه‌ی میراثی تمدنی به حکومت‌های بعدی در جهان اسلام انتقال‌یافته و عصر زرین فرهنگ و تمدن اسلامی در سده‌های سوم و چهارم هجری را رقم زده است.

واژه‌های کلیدی: حکومت نبوی، نهادگرایی، اقدامات پیامبر، نهادسازی، کارکرد، تکوین تمدن اسلامی.

* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران jamiri.mohammad@gmail.com

** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران mbeyzai@yahoo.com (نویسنده‌ی مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱ ، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۳/۱۰

COPYRIGHTS ©2026 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the Original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publisher.

۱. درآمد

تمدن از حیث لغوی منتج از «مدینه» و مفهومی در برابر «بدویت» است (اسعدی،۱۴۰۱: ۲۹) که علی‌رغم تعاریف متعدد از آن، در تعریفی کلی، نظمی اجتماعی است که در نتیجه‌ی آن، فعالیت و خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود (ویل دورانت، ۱۳۶۷، ج۱: ۳). از دیگر سوی، شکل‌گیری تمدن‌ها، ملزم به تشکیل حکومت و به‌تبع آن برساخت نهادهاست. از منظر ویل دورانت: ۱. سازمان سیاسی، ۲. پیش‌بینی در امور اقتصادی، ۳. سنن اخلاقی و ۴. کوشش در راه معرفت و بسط هنر، چهار رکن اساسی در شکل‌گیری تمدن‌ها به شمار می‌روند. در این میان سازمان سیاسی و تشکیل حکومت نقشی غیرقابل‌انکار در تکوین تمدن‌ها ایفا می‌نمایند (همان، ج۱: ۳). چرا که ظهور تمدن‌ها هنگامی امکان‌پذیر است که هرج‌ومرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد و زمینه‌ی رفاه اقتصادی و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی ایجاد شده باشد. ازاین‌رو حکومت یکی از پایه‌های اصلی توسعه و رشد در هر جامعه‌ای است.

تشکیل حکومت، به‌مثابه‌ی ضروری‌ترین نیاز هر جامعه‌ای، در اسلام نیز اهمیت خاصی داشته و افزون بر کارکردهای ذاتی آن، از قبیل: ایجاد امنیت و ساماندهی امور، جایگاه مهم آن در امر تمدن‌سازی است. از دیگر سوی، هر ساختار سیاسی برای بقا و مرتفع نمودن نیازهای سیاسی و اجتماعی، همچنین محقق نمودن اهداف سیاسی و باوری خود، نیازمند تمهیدات و سازه‌هایی است که باید افزون بر اقتضائات جغرافیایی با تحولات زمانی نیز سازگار باشد. تکوین و شکل‌گیری نهادهای سیاسی و اجتماعی در حکومت‌ها در راستای همین سازوکارها به شمار می‌رود. نهادهای سیاسی و اجتماعی، سازوکارهایی هستند که در یک بستر مناسب ارزشی، تمدنی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی شکل می‌گیرند و باتوجه‌به اهداف و کارکردهایی که دارند، جامعه را به‌سوی رشد و تمدن‌سازی هدایت می‌کنند. منظور ما از نهادسازی پیامبر، برساخت مبانی و اصول دینی و استمرار آن در بخش‌های اجرا، قضا و تقنین است که زمینه‌ساز تمدن اسلامی و تحولات بعدی را در جهان اسلام فراهم نموده است.

لازم به ذکر است که حکومت پیامبر اسلام (ص) در مدینه، به‌عنوان اولین حکومت اسلامی در تاریخ شناخته شده است. این حکومت باتکیه‌بر جهان‌بینی توحیدمحوری و رهبری پیامبر، سنگ بنای حکومتی را پی‌ریزی نمود که با اقدام به نهادسازی و نظام‌سازی، به‌مثابه‌ی الگویی برای حکومت‌های بعدی مورد توجه قرار گرفت. در واقع تشکیل حکومت اسلامی در مدینه توسط پیامبر (ص)، در تقابل با سنت‌ها و ساختارهای حاکم بر شبه‌جزیره، امری بدیع و بی‌سابقه بود. امری که به‌منزله‌ی انفجار در ساخت‌های قبیله‌ای، نظام سیاسی جزیره العرب را از شیخ سالاری به‌نظام امت واحده سوق داد. در این میان سازوکارهای پیامبر در امر نهادسازی و کارکردهای آن در امر تمدن‌سازی موضوع شایسته‌ی درنگی است که شناخت ابعاد و زوایای آن پژوهشی جامع را طلب می‌نماید.

آنچه درباره‌ی پیشینه‌ی این موضوع قابل‌ذکر است این است که تاکنون درباره‌ی نظام اداری و حکومتی پیامبر؛ همچنین عملکردهای آن در حکومت نبوی و پیرامون این موضوع تحقیقات متعدد و ارزنده‌ای صورت‌گرفته که برخی از آنان، از این قرارند: عبدالحی کتانی (۱۳۸۴) در کتاب *نظام اداری مسلمانان صدر* اسلام به بررسی نظام اداری مسلمانان در صدر

اسلام پرداخته است. علی‌محمدی ضیاء و نجف لک‌زایی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ی «تبیین ماهیت دولت نبوی و علوی: رویکردهای مفهومی، ساختاری و نظری»، ماهیت دولت نبوی و علوی را با رویکردی مفهومی، ساختاری و نظری مورد بررسی قرار داده‌اند. حسین عبدالمحمدی و محمدرضا ضیایی (۱۴۰۲) در مقاله‌ی «نقش پیمان‌های پیامبر اعظم (ص) در شکل‌گیری تمدن اسلامی» به بررسی نقش پیمان‌های پیامبر در شکل‌گیری تمدن اسلامی پرداخته‌اند. اصغر افتخاری (۱۳۸۸) در مقاله‌ی «دیپلماسی حکومت پیامبر (ص)» به بررسی دیپلماسی و ویژگی‌های دیپلمات‌ها در حکومت پیامبر (ص) پرداخته است. پرویز سعیدی، (۱۳۸۲)، در مقاله‌ی «سازمان اداری و مالی در زمان رسول خدا (ص)»، وضعیت سازمان اداری و مالی در دوران حکومت پیامبر (ص) را مورد بررسی قرار داده است. همان‌گونه که مشاهده شد این آثار به اقدامات پیامبر در امر نهادسازی و کارکردهای آن در ساحت تمدن‌سازی اسلامی از منظر نهادگرایی و تمدنی چندان توجه ننموده‌اند و راه را برای پژوهشی جامع هموار نموده‌اند. ازاین‌رو این جستار با روشی توصیفی- تحلیلی و با رویکردی موضوعی، نهادسازی پیامبر و کارکردهای آن را در امر تمدن‌سازی در کانون توجه خود قرار داده است.

به نظر می‌رسد نهادسازی پیامبر در طی حکومت ایشان مشتمل بر تکوین و ساماندهی نهادهای تربیتی، عبادی، تقنینی، قضا و مالی بوده است. این نهادها با رهبری و مدیریت ایشان در قالبی ساده، با اتکاء بر آموزه‌های قرانی و سیره پیامبر، کارکردهای چندی از جمله: تربیتی و آموزشی، قانون‌گذاری، عدالت‌گرایانه و اقتصادی را برعهده داشته و ظرفیت‌های تازه‌ای را در امر تمدن‌سازی فراروی حکومت‌های بعدی در جهان اسلام قرار داده است.

۲. مباحث و مبانی نظری پژوهش

از منظر نورث، نهادهای اجتماعی قواعد بازی یا الگوهایی از روابط متقابل هستند که بر روابط اشخاص ناظر بوده و محدودیت ایجاد می‌کنند. افزون بر این، نهادها مشتمل بر قواعد رسمی، قوانین مکتوب، معاهدات اجتماعی رسمی، هنجارهای غیررسمی، رفتارها و باورهای مشترک درباره جهان به همراه ابزارهای اجرایی هستند که به منظور ساماندهی امور ایجاد می‌شوند (نورث، ۱۳۹۶: ۳۸). تعریف هانتینگتون نیز از نهادها، الگوهای پایدار، تکرارشونده و ارزشمند است (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۲۳). هال، با در نظر گرفتن نهادها به‌مثابهٔ قواعد رسمی و غیررسمی، رویه‌های پذیرش و رفتارهای عملیاتی استاندارد، بعد کاربردی آن را ساماندهی روابط میان افراد در واحدهای متعدد سیاست و اقتصاد سامان می‌داند (Hall,1986: 938). هاجسون نهادها را همچون ساختارهایی می داند که در قلمرو علوم اجتماعی اهمیت بسزایی دارند. لذا نهادها را به‌عنوان بخشی از قواعد تثبیت شده و مرسوم در جامعه که به تعاملات اجتماعی ساختار می‌بخشنددر نظر می‌آورد (Hodgson,2006: 1-2). جامعه‌شناسان نیز، نهادها را سیستم‌های پایدار و سازمان‌یافته‌ای از الگوهای اجتماعی می‌دانند که پاره‌ای از رفتارهای کنترل شده و یکسان را باهدف مرتفع شدن نیازهای اساسی جامعه در بر می‌گیرند. علی‌رغم اقتصاددان‌ها که تنها به نهادهای اقتصادی توجه نشان می‌دهند، جامعه‌شناسان در هر جامعه‌ای پنج نهاد عمده را در نظر می‌گیرند که عبارت‌اند از: نهاد خانواده، آموزش، دین، اقتصاد و حکومت یا دولت (کوئن، ۱۳۸۰: ۱۴۷).

در ارتباط با هر نهاد باید به سه نکته توجه داشت. اول اینکه هدف هر نهاد، برآورده‌ساختن نیازهای اجتماعی مشخصی است. دوم اینکه یک نهاد دربردارنده طیفی از ارزش‌هایی است که مدنظر اعضای شرکت‌کننده در آن می‌باشد. سوم اینکه نهادها به طور نسبی پایدار هستند، تا آنجا که الگوهای ثابت رفتار در درون نهادها، به بخشی از سنت و فرهنگ مرسوم در جامعه مبدل می‌شود (همان: ۱۴۸). نقطهٔ ثقل نهاد تحلیل نهادگرایی، تأکید بر نقش نهادها به‌عنوان یک متغیر مستقل در شکل‌دادن به روندها و نتایج کنش‌های اجتماعی و فردی و پدیده‌های سیاسی و اجتماعی است (کاظمی، ۱۳۷۳: ۱). نهادگرایی نیز همچون بسیاری از نظریه‌ها و روش‌های علوم اجتماعی، تطوراتی تاریخی را پشت سر گذاشته و چرخش‌های مختلفی را تجربه کرده است. نهادگرایی قدیم، کلاسیک یا تاریخی و نهادگرایی نوین یا مدرن دو گونه شاخص از نهادگرایی هستند. در این میان نهادگرایی تاریخی یا کلاسیک از زمره‌ی مباحث نظری در مورد نهادها به شمار می‌رود که می‌توان از برخی نظرات آن پیرامون این جستار بهره گرفت. نهادگرایی کلاسیک یا تاریخی به بخشی از مطالعات در حوزهٔ سیاست، اقتصاد و جامعه‌شناسی اطلاق می‌شود که از حدود دههٔ سوم قرن ۱۹ در انگلستان، فرانسه و آلمان آغاز و در پایان قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ به الگوی اصلی تحلیل در حوزه‌های سیاست و اقتصاد مبدل شد (همان: ۳؛ کمالی‌زاده،۱۳۹۵: ۱۷۵). از منظر نهادگرایان تاریخی، نهادها مقولاتی تکوینی و تکاملی هستند که در هر جامعه شکل خاصی دارند. ازاین‌رو نهادگرایان تاریخی بر تفاوت میان جوامع و راه‌حل‌های خاص آنان باور دارند (همان: ۱۲-۱۳).

نهادهای اثرگذار بر عرصه سیاسی و منازعات جاری در آن را می‌توان به سه سطح رسمی، غیررسمی و ناملموس تقسیم‌بندی نمود. نهادهای رسمی مجموعه نهادهای شکل‌دهنده به‌نظام سیاسی یا قواعد و سازوکارهای رسمی تنظیم امور حاکمیتی هستند. از قبیل: نهادهای قضایی، قانونی، مالی و اقتصادی. نهادهای غیررسمی که بخشی از ساختار رسمی به شمار نمی‌روند؛ ولی نقش مهمی در حوزهٔ سیاسی دارند. نظیر: احزاب، مطبوعات و شبکه‌ها سیاسی و اجتماعی. نهادهای ناملموس نیز غالباً ماهیتی نامحسوس ولی اثرگذار در شکل‌دادن فضا و نحوه کارکرد و توان نهادهای دو سطح دیگر ایفا می‌کنند. سنت‌ها، هنجارها و مؤلفه‌های فرهنگی از این دسته‌اند (همان: ۱۲).

۳. نهادسازی پیامبر و کارکردهای آن در تمدن‌اسلامی

رسول خدا در طی اقامت در شهر مدینه و تشکیل حکومت اسلامی، برای سامان‌دادن به امور سیاسی و اجتماعی، به تشکیل برخی نهادهای رسمی و اجتماعی در دوران حکومتش مبادرت ورزیدند که به‌مثابه‌ی نقطه‌ی عزیمتی در تمدن‌سازی و پویایی و شکوفایی آن در عصر زرین فرهنگ و تمدن اسلامی به شمار می‌رود. از میان این نهادها که از منظر جامعه‌شناسان اهمیت بسزایی در جوامع دارند می‌توان به ترتیب به نهاد خانواده، آموزش، دین، اقتصاد و حکومت یا دولت اشاره نمود:

۳. ۱. نهاد خانواده

نهاد خانواده و کارکردهای آن از دیرباز از سوی ادیان، مکاتب و فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف، موردتوجه قرار گرفته است. خانواده مهم‌ترین رکن اجتماع است و اگر روابط اخلاقی و عاطفی در خانواده حاکم و تأمین بشود بسیاری از مشکلات جامعه حل می‌شود (رضایی و نراقی، ۱۳۸۹: ۱۲۲). این نهاد تأثیرگذار در اسلام نیز از جایگاه والایی برخوردار بوده و به آن توجه ویژه‌ای شده است

نهاد خانواده از منظر اسلام، دارای جایگاه و قداست ویژه‌ای است که قابل‌مقایسه با هیچ نهاد دیگری نیست. در حدیثی از پیامبر خدا (ص) آمده است: «ما بُنِیَ بِناءٌ فی الإسلامِ أحَبّ إلَی الله تَعالی مِن التّزویجِ» (شیخ صدوق، ج۳: ۳۸۳). در اسلام هیچ بنیادی نزد خدا محبوب‌تر از ازدواج نیست. تشکیل خانواده، دارای حکمت‌ها و دلایل متنوّع روانی، اخلاقی، اجتماعی و دینی است که رسیدن به آرامش و ایجاد مودت و رحمت بین اعضای خانواده و بالتبع در جامعه از جمله آنهاست (رضایی و نراقی، ۱۳۸۹: ۹۳). آموزه‌های اسلام در نگرش به خانواده و کارکردهای آن به‌گونه‌ای طرح‌ریزی شده است که ضمن ازبین‌بردن زمینه‌های تنش و تضاد و ایجاد پیش‌نیازهای استحکام، خانواده را در ایفای نقش سعادت‌بخشی به افراد، یاری دهد.

رسول خدا با اتکا بر آموزه‌های قرآنی و با منشی حسنه، اهتمام خود را بر حمایت از نهاد خانواده بر اساس مراقبت و حمایت، مودت و رحمت به‌منظور رسیدن زنان و مردان به خوشبختی این‌جهانی و آن‌جهانی مصروف نمود و باارزش بخشیدن به زن، نگاه کالایی و شیءانگارانه دوران جاهلی به آن را مورد هجوم قرار داد. ازاین‌رو خداوند الگوپذیری از ایشان به‌عنوان الگویی حسنه را «لَّقَد کَانَ لَکُم فِی رَسُولِ ٱللَّهِ أُسوَةٌ حَسنه» (احزاب/ ۲۱)، در تمامی ابعاد زندگی برای تکامل مسلمانان ضروری می‌داند.مهمترین عوامل تأمین بهداشت روانی خانواده در روابط متقابل زن و مرد، در سیره پیامبر عبارتند از: رفق و مدار، حضور در کنار خانواده، خدمتگزاری، تأمین معنوی آنان، حفظ حرمت یکدیگر، قناعت، بردباری و سعهٔ صدر، ابراز عشق و علاقه، تواضع عاشقانه (رضایی و نراقی،۱۳۸۹: ۹۳). عوامل و عناصر یاد شده در جایگاه مهم خانواده در مناسبات اجتماعی و فرهنگی و توجه و اهتمام پیامبر به کارکردهای این نهاد اثرگذار است. امری که پیامبر با تعریف و قرائتی تازه از قواعد و هنجارهای آن با اتکاء به آموزه‌های قرآنی و سیره‌ای حسنه، به مثابه‌ی نهادی قوام بخش در امر مدیریت جامعه و تمدن‌سازی اهتمام ورزیدند.

۳. ۲. نهاد آموزشی و تربیتی

اعراب جاهلی پیش از ظهور اسلام، در دنیایی به‌دور از فرهنگ و تمدن و بی‌بهره از دانش و دیانت می‌گذراندند. فکروذکر و اهداف ارتباطی آنان، بر محور زندگی قبیله‌ای و بیابانگردی می‌گذشت (کسایی، ۱۳۸۸: ۱۰۱). ظهور اسلام و تأکید آموزه‌های اسلامی و قرآنی به علم و علم‌آموزی و جایگاه رفیع عالمان و به دنبال آن تشکیل حکومت اسلامی در مدینه و ضرورت اشاعه اسلام، نیاز به کاتبان و آدم‌های باسواد را اجتناب‌ناپذیر نمود. چنانچه پیامبر در ازای فدیه اسیران جنگ بدر

امر نمود درصورتی‌که آنان به ده نفر از مسلمانان خواندن و نوشتن بیاموزند، آزاد می‌شوند. حتی پیامبر زید بن ثابت را از تکالیف نظامی معاف و از وی خواست که دو زبان عبری و سریانی را یاد بگیرد (کتانی، ۱۳۸۴: ۱۰۱-۱۰۰).

لازم به ذکر است که تا قبل از پیامبر در شبه‌جزیره نهاد انشا و به عبارتی دیگر تشکیلات اداری و کتابت وجود نداشت. پیامبر (ص) بنا بر الزامات حکومتی و ساماندهی امور به دبیران و کاتبانی را برای مکاتبات داخلی و خارجی، گزارش‌نویسی، ثبت آمار و کتابت وحی تعیین نمودند. به‌طوری‌که برخی از مورخان نویسندگان پیامبر را بالغ بر۵۶ نفر دانسته‌اند (ابن‌عساکر، ۱۴۱۳: ۳۲۴). این میزان از کاتبان و دبیران در حکومت پیامبر بیانگر اثرگذاری این نهاد در سامان‌بخشی به امور حکومتی است. پیامبر بر حسب نیاز، کارهای کتابت و انشاء را بین افراد تقسیم‌بندی و تفکیک نمودند. چنان‌که مسئولیت پیمان‌نامه‌های رسمی را به امام علی (ع) و ابوعمرو و نوشتن نامه‌ها به ملوک و رهبران قبائل را به عبدالله بن ارقم و زید بن ثابت (ابن اثیر،۱۳۷۱: ۶۲؛ ۳۰۰)، گزارش آمار و تعداد مسلمانان و محصولات کشاورزی و زراعی را حذیفه بن یمان و ثبت وقایع و گزارش‌ها را به ابن عباس (کتانی،۱۳۸۴، ج۱: ۱۲۹) محول نمودند.

تأسیس و بنای مسجد نیز یکی دیگر از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اقدامات پیامبر در امر نهادسازی و تمدن‌سازی بود که تأثیر شگرفی در حوزه آموزش و تربیت به دنبال داشت. مسجد افزون بر کارکرد عبادی، کارکرد آموزشی و تربیتی را نیز در میان مسلمان عهده‌دار شد. امری که در تاریخ شبه‌جزیره مسبوق به سابقه نبود و ظرفیت‌های تازه و اثربخشی را نه‌تنها در دوره حکومت نبوی؛ بلکه در حکومت‌های بعدی در جهان اسلام در امر تمدن‌سازی ایجاد نمود. در واقع به تعبیری دیگر مسجد نهاد عمومی در جامعهٔ اسلامی و رکن اساسی از ارکان دولت پیامبر (ص) در مدینه بود که همه‌ی فعالیت‌های علمی، آموزشی و اداری را پوشش می‌داد (علی،۱۳۸۰: ۶۹). امری که در عصر زرین فرهنگ تمدن اسلامی، نقش اثرگذار آن، چونان کانونی تمدنی، دستاوردهای چشمگیری را در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن برای مسلمانان به همراه داشت. به طور کلی، پیامبر با استعانت از آموزه‌های قرآنی و عنایت و اهتمام به محقق شدن آن در امر علم‌آموزی، آموزش و تربیت، همچنین اقداماتی چون تأسیس مسجد؛ افزون بر نهادسازی آموزشی و تربیتی در جامعه، زمینه تمدن اسلامی را فراهم نمودند.

۳. ۳. نهاد مالی و اقتصادی

یکی دیگر از توفیقات پیامبر در امر نهادسازی را باید در اقدامات وی در حوزه‌ی مالی و اقتصادی در قالب نهادی نظام‌مند در شبه‌جزیره جستجو نمود. اولین درآمد مالی که به امر خداوند وضع گردید، خمس غنایم بود (انفال/۴۱)، در واقع اولین اقدام پیامبر (ص) درباره خمس غنائم و ساماندهی آن را می‌توان در غنیمت جنگی مسلمانان در بدر، و گماشتن عبداللّه بن کعب برای جمع‌آوری و حفظ و ضبط اموال در مکان خاص و جلوگیری از پخش آن توسط مجاهدان جستجو نمود. جزیه دومین منبع درآمدی بود که پیامبر به فرمان خداوند به گرفتن آن از غیرمسلمانان اقدام نمود. جزیه بر مردان بالغ که از لحاظ مالی توانایی پرداخت داشتند، تعلق می‌گرفت. میزان این مالیات به‌تناسب توانایی افراد، متفاوت بود و در قرآن

نرخی برای آن ذکر نشده است. این مالیات مخصوص غیرمسلمانان بود و معادل زکاتی بود که فقط از مسلمانان گرفته می‌شد (طبری، ۱۴۱۷ق، ج۲: ۴۵۸؛ سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۸۸).

پس از خمس درآمدهای مالی دیگری که به شکلی نهادمند در حوزه‌ی مالی و اقتصادی حکومت ایجاد شد جزیه و خراج و آخرین آن زکات بود که از منابع دیگر، ثبات بیشتری داشت. پیامبر (ص) در حوزه‌ی امور اقتصادی و مدیریت آن، اصولی را مبتنی بر احترام به مالکیت خصوصی مشروع، التزام به عقود و قراردادها، بازار و تولید آزاد را با اتکا بر آموزه‌های قرآنی تدوین و مقرر نموده بود. در این راستا، پیامبر (ص)، مدیریت و مراقبت کنترل بازار؛ همچنین پیشگیری از احتکار را خود بر عهده داشت (سعیدی،۱۳۸۲: ۱۹۰-۱۹۱).

پیامبر به‌منظور ساماندهی به امور مالی، افرادی را به نمایندگی از خود در امور مالی راهی شهرها و قبائل مختلف مأمور می‌کردند. معاذ بن جبل از زمره‌ی مأمورانی بود که به فرمان پیامبر (ص)، برای گردآوری صدقات و جزیه‌ها در رأس گروهی به‌جانب «ذرعه بن ذی یزن» رهسپار شدند (بلاذری، ۱۹۸۸: ۷۷). همچنین امام علی (ع) را مأمور نمود تا از خالد خمس دریافت کند و جزیه و صدقات اهل نجران را نیز بگیرد (کتانی، ۱۳۸۴: ۱۹۵-۱۹۶)؛ بنابراین پیامبر توانستند با پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی و وضع درآمدهایی نظیر: خمس، جزیه، خراج و زکات بر موانع و مشکلات اقتصادی و مالی که یکی از عوامل و ارکان مهم در امر حکومت و تمدن‌سازی است فائق شوند و زمینه‌های تکوین تمدن اسلامی را فراهم نمایند.

۳. ۴. نهاد حکومت یا دولت

همان‌گونه که اشاره شد یکی از اقدامات مهم پیامبر، در مهاجرت به مدینه و اقامت در این شهر تشکیل حکومت بود. پیامبر در این راستا جهت سامان‌بخشی به امور دولتی و حکومتی به ایجاد نهادهای چندی از جمله: نهاد قانونی، قضایی و نظامی مبادرت ورزید. اهمیت و کارکرد این نهادها و نقش آن در امر تمدن‌سازی را می‌توان اینگونه تقسیم‌بندی نمود:

۳. ۴. ۱. نهاد قانونی

نهاد قانونی در هر جامعه و تمدنی، اساس و سنجش امور و مسائل آن جامعه به شمار می‌رود و تمامی آحاد و عناصر اجتماعی، موظف به رعایت آن هستند. از سوی دیگر نظم اجتماعی و تنظیم روابط انسانی جامعه بشری در هر تمدنی که زمینه‌ساز آسایش، امنیت و بالندگی است، بر تعیین وظایف و حقوق و رعایت آن استوار است. به باور عجم اوغلو و رابینسون، آنچه توسعه تمدنی یک جامعه را ممکن و توسعه تمدنی جامعه‌ی دیگر را ناممکن می‌نماید، نهادهای فراگیر در جامعهٔ اول و نهاده‌های بهره‌کش در جامعهٔ دوم است. اگر نهادهایی در یک جامعه فراگیر باشند فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی در آن جامعه معنا و زمینه رشد اقتصادی و اجتماعی فراهم می‌شود. در غیر این صورت، نهادهای بهره‌کش به‌وسیله گروه خاصی بر جامعه مسلط و آن جامعه به راه تهیدستی و نابسامانی سوق داده می‌شود (عجم‌اغلو و رابینسون، ۱۳۹۲: ۱۵).

پیامبر اکرم (ص) به‌منظور سعادت و همگرایی اجتماعی در مدینه و ممانعت از تحرکات و منازعات فرساینده و خونین قبیله‌ای و همچنین شکاف‌های مذهبی، به تدوین منشور مدینه و به عبارتی دیگر ایجاد نهاد مقننه در مفهوم ابتدایی آن اقدام نمودند. پیامبر با تدوین قانون اساسی مدینه که نخستین قانون مدون دولتی بود اجزای متفرق مدینه را به یکدیگر پیوند دادند و شهر مدینه را یک حرم و یک واحد سیاسی اعلام نمودند. این میثاق مشتمل بر سه بخش قرارداد بین خود مسلمانان، و بین مسلمانان و یهودیان همچنین مسلمانان و مشرکان بود (علیخانی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۰۵). منشور بین مسلمانان و یهودیان مدینه، مشتمل بر مبانی و اصول مناسبات داخلی و خارجی فی‌مابین بود و حد و حدود تعهدات آنان در برابر یکدیگر را تنظیم و تبیین می‌کرد (طبرسی،۱۴۱۷ق: ۶۹؛ مرتضی عاملی، ۱۳۹۱، ج۲: ۲۹۶؛ دیاربکری، ۱۳۰۲: ۳۵۳). در واقع این منشور شبیه‌ترین چیز به قانون اساسی دولتی بود که در آن زمان در مدینه تدوین شد (صالح، ۱۳۷۹: ۱۹) و تأثیر بسزایی در امر ساماندهی امور اجتماعی و سیاسی؛ همچنین تمدن‌سازی برجای گذاشت.

۳. ۴. ۲. نهاد قضاوت

هدف از شکل‌گیری هر نهاد، برآورده‌ساختن نیازهای اجتماعی مشخصی است (کوئن، ۱۳۸۰: ۱۴۸). نهاد قضاوت از زمره‌ی مهم‌ترین نهادهای دولتی و تمدنی است که پیامبر (ص) در همان آغاز حکومت خود آن را ایجاد نمودند و حتی بخش قابل‌توجهی از منشور خود را به آن اختصاص دادند. پیامبر با اشراف به این نکته که داوری عادلانه در منازعات اجتماعی، آنهم در جامعه‌ای قبیله‌ای که سال‌ها نظام تبعیض و نابرابری بر آن مسلط بود و حتی برخی از رهبران و بزرگان قبیله جایگاهی خاص برای خود قائل بودند، می‌تواند نظم و امنیت اجتماعی را به دنبال داشته باشد به تشکیل آن مبادرت ورزیدند. وی در این راستا پاره‌ای از قواعد و قوانینی حقوقی را در منشور خود وضع نمودند و به اجرای صحیح آن توجهی خاص نشان دادند. اجرای حد و حدود الهی آنقدر برای پیامبر مهم بود که فرمودند: «قسم به خدا اگر فاطمه، دختر محمد دزدی کند، حتما دست او را قطع می‌کنم» (مسلم،۱۴۲۷ق، ج۱۱: ۱۸۶-۱۸۷). چنانچه کنیز ام‌سلمه همسر پیامبر (ص) به جرم دزدی نزد وی آوردند و علی‌رغم شفاعت ام‌سلمه از آن کنیز در نزد پیامبر، اما آن حضرت بنا به اجرای حد سرقت، دست آن کنیز را قطع نمودند (کلینی،۱۳۶۵، ج۷: ۲۵۴).

در دوران حکومت پیامبر (ص) نهاد قضاوت در دست پیامبر بود. چنانچه پیامبر در سایر مراکز و مناطق نیز با تشخیص و صلاح خود، قاضیان و یا حاکمانی را که البته نقش قضاوت را داشتند تعیین می‌نمودند (عبدالرحمن،۲۰۰۰: ۲۴). بنابراین ما در زمان حکومت پیامبر (ص) با تکوین و شکل‌گیری نهاد قضاوت در قالب ساده آن مواجه هستیم که با اتکاء به آموزه‌های قرآنی و با کارکردی قضایی و عدالت‌گرایانه که یکی از ارکان الزامی در امر تمدن‌سازی است، بخش قابل‌توجهی از منازعات قبیله‌ای و اجتماعی را مرتفع نمودند.

۳. ۴. ۳. نهاد مناسبات خارجی

صلح حدیبیه را می‌توان به‌مثابه‌ی نقطه عزیمتی در روابط و مناسبات خارجی پیامبر به شمار آورد. چرا که به دنبال این صلح زمینه نشر دعوت در داخل و بیرون شبه‌جزیره فراهم شد. در این راستا پیامبر (ص) به دنبال صلح حدیبیه، سفیران

مختلفی از جمله، «عبدالله بن حذافه سهمی» را به‌سوی «خسروپرویز» پادشاه ایران، «دحیهٔ بن خلیفه کلبی» را به نزد «هرقل» (هرکول = هراکلیوس) پادشاه روم، «حاطب بن أبی بلتعه» را به نزد «مقوقس» (سایرس الکساندریا) حاکم مصر (جریج ابن مینایا «جریج ابن متی)، «عمرو بن أمیه ضمری» را به جانب نجاشی (آرماه) پادشاه حبشه «علاء بن حضرمی» را به‌سوی امیر بحرین و «عمرو بن عاص» را به‌سوی پادشاه عمان؛ همچنین برخی رؤسای قبایل عرب گسیل نمودند (طبری،۱۳۷۵، ج۳: ۱۱۳۳؛ ابن هشام، بی‌تا، ج۲: ۶۰۶-۶۰۸؛ ابن‌اثیر،۱۷۱، ج۷: ۲۴۵؛ کتانی، ۱۳۸۴: ۹۷-۹۸). انتخاب سفیران و ویژگی‌های رفتاری و جایگاه اجتماعی آنان، بیانگر توجه پیامبر به سفیران خبره در راستای توفیق بیشتر در انجام مأموریتشان می‌باشد.

با نگاهی کلی به مناسبات خارجی عصر پیامبر (ص) می‌توان استنباط نمود که این نهاد دامنه عام‌تر و گسترده‌تری داشته و ناظر بر تنظیم روابط مختلفی، از جمله: روابط قبایل با یکدیگر، روابط حکومت‌ها با یکدیگر و روابط حکومت‌ها با قبایل بوده است (افتخاری، ۱۳۸۸: ۲۵). مجموعه اسناد سیاسی و اداری که پیامبر در مناسبات سیاسی و خارجی خود صادر نموده است بالغ بر ۲۴۶ فقره و مشتمل بر نامه، عهدنامه، صلح‌نامه و دعوت‌نامه می‌باشد؛ بنابراین می‌توان استنباط نمود که پایه‌های اولیه‌ی نهاد خارجی به‌مثابهٔ ابزاری در راستای تبلیغات، نشر و اشاعه‌ی آموزه‌های اسلامی که خود از عوامل زمینه‌ساز در امر تمدنی است، به رهبری و ابتکار پیامبر و در زمان حکومت ایشان شکل‌گرفته است.

۳. ۴. ۴. نهاد نظامی و لشکری

در میان پیامبران الهی، رسول خدا (ص) بیشترین مبارزه را در راه خدا داشته است پیامبر اکرم در حدود ۲۷ جنگ شرکت فرمود و خود فرماندهی مجاهدان مسلمان را برعهده داشت. جنگ‌های بدر، احد، خندق، بنی‌قریظه، بنی مصطلق، خیبر، فتح مکه، حنین، و طائف از این دسته به شمار می‌روند. نهاد نظامی و لشکری در ذیل نهاد دولتی و حکومتی و به‌مثابه‌ی یکی از ارکان آن در حکومت نبوی، عهده‌دار امنیت و دفاع از مسلمانان در برابر هجوم دشمنان و تحرکات آنان بود. به عبارتی دیگر نهاد و تشکیلات لشکری و نظامی که در ارتباطی تنگاتنگ با امر حکومت‌داری بود توسط پیامبر تشکیل شد. پیامبر فرماندهی و رهبری نهاد نظامی و لشکری را در قالب غزوه به طور مستقیم و در قالب سریه به شکل غیرمستقیم عهده‌دار بودند.

اعراب در دوران جاهلیت به‌استثنای اعراب حیره که تحت تابعیت ساسانیان و اعراب منطقه غسان که تحت تابعیت روم قرار داشتند، چندان به سازماندهی جنگ توجهی نداشتند (علی،۱۳۸۰: ۴۱۰-۴۱۱). سازماندهی سپاه از ابتکارات رسول خدا (ص) بود و ایشان در طی چهار مرحله، ضمن بهره‌گیری از نظام صف یا جنگ منظم، از نظام خمیس یا سازمان پنج‌گانه طلیعه، قلب، میسره، میمنه و ساقه بهره‌مند می‌شدند (قائدان، ۱۳۹۷: ۹۴). در واقع پیامبر، با اقدام به تشکیل نهاد نظامی و لشکری، افزون بر اینکه امنیت مسلمانان را در مقابل دشمنان تأمین نمودند، با ابتکارات خود زمینه‌ی آرام و مساعدی را برای حیات اجتماعی مسلمان و در غایت پی‌ریزی تمدنی در قالب آموزه‌های اسلامی فراهم نمودند.

۴. نتیجه‌گیری

حکومت پیامبر، اولین حکومت اسلامی در شبه‌جزیره بود که با تکیه بر نهادسازی؛ افزون بر مرتفع نمودن مشکلات سیاسی و اجتماعی مسلمانان، زمینه‌ی تکوین تمدن اسلامی را فراهم نمود. چگونگی نهادسازی پیامبر و کارکردهای آن در امر تمدن‌سازی هدف اصلی و مسأله این پژوهش بود که با رویکرد توصیفی – تحلیلی و روش کتابخانه‌ای، همچنین بهره‌گیری ممکن از نظریه نهادگرایی مورد بررسی واقع شد. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که: پیامبر (ص) با تأسیس حکومت اسلامی در مدینه و در راستای ساماندهی به امور سیاسی و اجتماعی و مرتفع نمودن بحران‌های پیش‌رو، با اتکاء به آموزه‌های قرآنی، در کنار اقدامات و ابتکارات خود، به ایجاد و ساماندهی نهادهای چندی، از قبیل: نهادهای خانواده، تربیتی و آموزشی، مالی، و حکومتی اعم از: قانونی، قضا، انشا و لشکری، مبادرت ورزیدند. نهادهای تکوین‌یافته توسط پیامبر (ص)، باوجود سادگی ساختار، کارکردهای چندی از جمله: تربیتی و آموزشی، قضایی و عدالت‌گرایانه، تقنینی، اقتصادی، لشکری و مکاتبه‌ای در مناسبات داخلی و خارجی، در حکومت نوپای اسلامی و مدیریت امور را، عهده‌دار شدند و خلأ فروپاشی ساختار قبیله‌ای، ارزش‌ها و هنجارهای آن بر اساس شیخ سالاری را مرتفع نمودند. در واقع یکی از توانمندی‌های حکومت پیامبر را باید در قدرت نهادسازی و ایجاد زمینه‌سازی ارکان تمدنی بر اساس قوانین دینی و اسلامی باتوجه‌به شرایط سیاسی و اجتماعی شبه‌جزیره جستجو نمود. امری که در شبه‌جزیره مسبوق به سابقه نبود و با روند تکوینی و تکاملی خود، ظرفیت‌های تازه‌ای فراروی حکومت‌های بعدی در جهان اسلام قرارداد. به‌طوری که زمینه‌های عصر زرین فرهنگ و تمدن اسلامی در قرن‌های سوم و چهارم هجری را فراهم نمود.

منابع

قرآن کریم.

ابن عساکر. (۱۴۱۳ق). *ترجمه الامام زین العابدین علی بن الحسین علیه السّلام و تلیها ترجمه ابنه الامام محمدالباقر علیه السّلام من تاریخ مدینه دمشق*. تهران: چاپ محمدباقر محمودی.

ابن هشام. (بی‌تا). *سیره ابن هشام*. تحقیق مصطفی السقاء، ابراهیم الابیاری، عبداحفیظ شبلی، لبنان: دارالوفات.

ابن اثیر جزری. (۱۳۷۱). *تاریخ کامل اسلام و ایران*. ترجمه‌ی عباس خلیلی، ایوالقاسم حالت، مؤسسه‌ی مطبوعات علمی.

اسعدی، محمد مصطفی. (۱۴۰۱). *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. قم: دفتر نشر معارف.

افتخاری، اصغر. (۱۳۸۸). «دیپلماسی در حکومت پیامبر (ص)». *مطالعات تاریخ اسلام*، (۱)، صص۲۲-۵۳.

بلاذری، الامام ابوالحسین. (۱۹۸۸م). *فتوح البلدان*. لبنان، بیروت: دار و مکتبه الهلال.

چراغی کوتیانی، اسماعیل. (۱۳۸۸). «رویکرد اسلام به چهار کارکرد مهم خانواده». *معرفت*، (۱۳۹)، ۳۵-۵۴.

دیار بکری، حسین بن محمد. (۱۳۰۲ق). *تاریخ الخمیس فی احوال نفس النفیس*. ج۱، بیروت: دارالصادر.

رضایی، جمال؛ نراقی، علی‌اصغر. (۱۳۸۹). «بررسی الگوی خانواده سالم در سیره پیامبر اسلام(ص)». *مطالعات قرآنی (فدک سبزواران)*، ۱ (۴)، ۹۳-۱۲۴.

سعیدی، پرویز. (۱۳۸۲). «سازمان اداری و مالی در زمان رسول خدا (ص)». *حکومت اسلامی*، (۳۰)، ۱۷۸-۲۰۱.

صالح، صبحی. (۱۳۷۹). *علوم الحدیث و مصطلحه*. دمشق: دانشگاه دمشق.

طبرسی، فضل ابن حسن. (۱۴۱۷ق). *اعلام الوری باعلام الهدی*. بیروت: دارالمعرفه.

طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*. ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، ج۳، تهران: اساطیر.

عبدالرحمن، علی فلاح. (۲۰۰۰م). *الدوله فی الاسلام*. بیروت: دارالاسلام.

عجم اوغلو، دارون؛ رابینسون، جیمز. (۱۳۹۲). *چرا کشورها شکست می‌خورند، سرچشمه‌های قدرت، فقر و غنای کشورها*. ترجمه‌ی پویا جبل عاملی و محمدرضا فرهادی‌پور، تهران: دنیای اقتصاد.

علی، جواد. (۱۳۸۰). *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*. قم: منشورات شریف‌الرضی.

علیخانی، علی‌اکبر و همکاران. (۱۳۸۶) *سیاست نبوی؛ مبانی، اصول، راهبردها*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

قائدان، اصغر. (۱۳۹۷). «سازماندهی جنگی در غزوات عصر پیامبر (ص)». *مطالعات تاریخی جنگ*، ۱ (۲)، ۷۵-۹۶.

کاظمی، حجت. (۱۳۹۲). «نهادگرایی به‌عنوان الگویی برای تحلیل سیاسی». *پژوهش سیاست نظری*، (۱۳)، ۱-۲۷.

کتّانی، عبدالحی. (۱۳۸۴) *نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام*. ترجمه‌ی علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

کسایی، نورالله. (۱۳۸۸). «دانش و آموزش در عصر پیامبراسلام (ص)». ۱ (۱)، ۱۰۰-۱۳۳.

کمالی‌زاده، محمد. (۱۳۹۵). «دیوان‌سالاری کارآمد از منظر نهادگرایی». *پژوهش سیاست نظری*، (۲۰)، ۱۷۳-۲۰۶.

کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۶۵). *الکافی*. تدوینگر: علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کوئن، بروس. (۱۳۸۰). *مبانی جامعه‌شناسی*. ترجمه‌ی غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.

محمدی‌ضیاء،علی؛ لک‌زایی، نجف. (۱۳۹۸). «تبیین ماهیت دولت نبوی و علوی: رویکردهای مفهومی، ساختاری و نظری». *دولت‌پژوهی*، ۵ (۱۷)، ۱۳۹-۱۷۱.

مرتضی آملی، سیدجعفر. (۱۳۹۱). *سیره صحیح پیامبر اعظم. ترجمه‌ی کتاب صحیح من سیره نبی‌الاعظم*، ترجمه‌ی محمد سپهری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.

مسلم، ابن حجاج. (۱۴۲۷ق). *صحیح مسلم*. تدوینگر: نظر بن محمد الفاریابی، مکه: دارالطیبه.

نورث، داگلاس؛ والیس، جان جوزف؛ وینگاست، باری آر. (۱۳۹۶). *خشونت و نظم‌های اجتماعی، چهارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ ثبت شده بشر*. ترجمه‌ی جعفر خیرخواهان و رضا مجیدزاده، تهران: روزنه.

ویل دورانت. (۱۳۶۷). *تاریخ تمدن*. ج ۱، ترجمه‌ی احمد آرام و دیگران، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.

هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۰). *در مطالعات تطبیقی و نظری در باب انقلاب ها*. گردآوری جک گلدستون، ترجمه‌ی محمد تقی دلفروز، تهران: کویر.

Hall, P.A. and Taylor, R.C.R (1996). *"Political Science and the Three New Institutionalisms"*. Political Studies, (44), 936-57.

Hall PA. (1986*).Governing the Economy:* The Politics of State Intervention in Britain and France. Oxford University Press.

Hodgson, Geoffrey M.(2006). *What Are Institutions?* Journal of Economic Issues, Vol. XL, No.1.